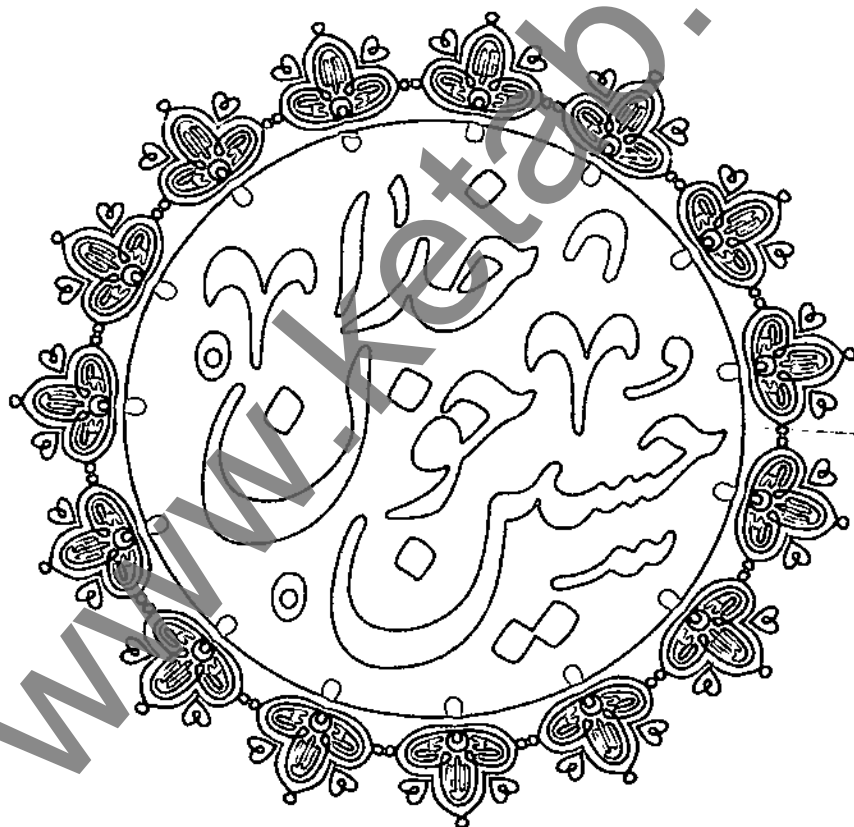




سلوک عاشورای

بیش و نگرش

منزل نہم



سلوك عاشورايي

منزل نهم | بینش و نگرش

سلسله جلسات اخلاق و معارف اسلامی
حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی

سرشناس تهرانی، مجتبی ۱۳۱۶ -

عنوان و نام بندی آورده: سلوک عاشورایی: منزل نهم: بینش و نگرش / برگرفته

از درس های مجتبی تهرانی

مشخصات نشر: تهران موسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.

فروست: سلسله جلسات اخلاق و معارف اسلامی حضرت آیت الله العظمی

حاج آقا مجتبی تهرانی. مجموعه قیام و انقلاب امام حسین علیه السلام: ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۹۵-۵-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ س۸۸ ت۹۶/۵/ BP۱۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۳۴۶۶۹

مدیر هنری: مجید زارع

صفحه آرا: مجید اکبرزاده

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تلفن مؤسسه: ۷۷۶۵۲۱۳۴-۵

آدرس سایت: www.mojtabatehrani.ir

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

فهرست

مقدمه | ۱۷

جلسه اول/ ۲۳

حسین علیعلیه السلام مصلحی غیور و انسانی ضد غرور | ۲۳

طرح بحث | ۲۳

طرح بیعت گرفتن از امام برای یزید | ۲۴

صراحت امام در اولین برخورد با والی مدینه | ۲۵

تعارض میان خداخواهی و هواخواهی | ۲۵

«براندازی»، نه «جانشینی» | ۲۶

تفاوت حرکت‌های الهی با قیام‌های بشری | ۲۶

برخی دلائل فقهی قیام علیه یزید | ۲۷

«و علی الاسلام السلام» | ۲۷

روایت صحیح از پیغمبر ﷺ | ۲۸

حکم عقل در مورد شرایط حاکم | ۲۹

اهرم حکومت‌ها برای شکل‌گیری و بقا | ۳۰

تناسب ابزار و ماهیت حکومت‌ها | ۳۰

ابزار حکومت‌های شیطانی: تطمیع، تهدید و تحمیق | ۳۰

«غرور و فریب» وجه مشترک اهرم‌های شیطانی | ۳۱

نفی غرور و فریب در قیام حسینی علیعلیه السلام | ۳۲

نفی هرنوع غرور در حکومت‌های الهی | ۳۲

موضوعیت داشتن اهرم فریب در حکومت‌های شیطانی | ۳۲

«تطمیع، تهدید و تحمیق» در اولین سخنرانی ابن‌زید | ۳۳

«غرور و فریب عملی» نزد یزیدیان | ۳۴

گریه مسلم علیعلیه السلام بر آنان که در راهند | ۳۵

جلسه دوم/ ۳۷

مروری بر بحث گذشته/ ۳۷

غرور و فریب کاری نزد عبدالله بن عمر | ۳۷

نصیحت یک فراری مغرور! | ۳۸

فریب خوردگی در کلام ابن عمر | ۳۸

فریب کاری و دنیا مناری در عمل ابن عمر | ۳۹

تقابل همشگی دین و دنیا | ۴۱

دین داران ظاهری و دنیا داران حقیقی | ۴۱

دین داران حقیقی و از دنیا گذشتگان | ۴۱

«بصیرت در دین» محور حرکت امام حسین (ع) | ۴۲

حرکت امام در جهت رفع غرور و افزایش بصیرت | ۴۲

تنها موردی که امام سخن از دنیا گفت! | ۴۲

«خلع سلاح» نه «تطمع» | ۴۴

«بصیرت و بینش» ابزار مردان الهی | ۴۵

پایداری یک انسان فریب نخور! | ۴۶

جلسه سوم/ ۴۹

غرور برسی معنا و ریشه «غرور» | ۴۹

غرور یعنی فریب ناشی از جهل | ۴۹

حسین (ع) مغرور نبود | ۵۰

نقص نگاه برخی تحلیل گران نسبت به قیام حسین (ع) | ۵۰

۱. بیان عاقبت کار در اولین رویارویی با کوفیان | ۵۰

بصیرت دهمی امام به دشمنان! | ۵۲

یزید و حکومتش، علناً ضدّ دین بودند! | ۵۲

فسق یزید، زبان زد کارگزاران حکومتی بود! | ۵۳

امام حسین (ع)، اسوه بصیرت و بینش | ۵۴

۲. اعلام عاقبت کار در نامه به بنی هاشم | ۵۵

۳. اخبار از خصوصیات شهادت در مکالمه با ائمّ سلمه | ۵۶

۴. خبر دادن یغمبر به علی (ع) درباره مکان شهادت فرزندش | ۵۷

۵. کنایه امام درباره بریده شدن سر مبارکش | ۵۸

۶. اطلاع امام از محل دفن و شیوه کشته شدن خویش | ۵۸

۷. خطبه امام در شب عاشورا و خبر از کشته شدن همه | ۶۰

۸. روضه خوانی امام، در بنو ورود به کربلا | ۶۰

جلسه چهارم/۶۳

مروری بر مباحث گذشته | ۶۳

امام حسین علیه السلام به تمام اهدافش رسید | ۶۳

کوفیان هرگز امام را فریب ندادند | ۶۳

ابزار حکومت الهی برای ایجاد و بقا | ۶۴

امام حسین علیه السلام مدرّس عملی دین داری | ۶۴

«از خودگذشتگی» وسیله مقدّس دین داران | ۶۵

برق و اسلحه کار ساز نیست | ۶۵

برای هدف مقدّس باید از «جان» گذشت | ۶۶

«ایثار و شاکاری» از اصول اساسی معارف دین | ۶۶

تقابل دنیا و آخرت در معارف اسلامی | ۶۷

نقایص دنیا، نسبت به آخرت | ۶۷

نقایص دنیا از زبان علی علیه السلام | ۶۸

دنیا داری یعنی بازی با دین خدا | ۶۸

راه آگاهی به تشخیص دین داری یا دنیا داری خود | ۶۹

«بدترین مردم» و «بدتر از او» | ۷۰

آثار دنیا داری و دین داری در روایات | ۷۰

گذشتن از دنیا توسط جناب حرّ | ۷۱

زدوشن برخی تصوّرات غلط از ذهن حرّ | ۷۲

۱. ترک شهوت ریاست طلبی و اقتدا به امام حاضر | ۷۲

۲. ترک غضب نسبت به امام و احترام به مادر حضرت علیه السلام | ۷۳

۳. ترک تمام دنیا و پیوستن به سپاه امام | ۷۳

تجلی آثار دین داری در عمل حرّ | ۷۳

جلسه پنجم/۷۵

رابطه هدف و وسیله در منظر اسلام | ۷۵

هدف وسیله را توجیه نمی کند | ۷۵

«فریب» یک کار شیطانی است | ۷۵

«گذشت از دنیا» در سفارشات پیغمبر به علی علیه السلام | ۷۶

امر علی علیه السلام به بذل دنیا برای حفظ دین | ۷۷

ورشکسته و غارت شده حقیقی در نگاه علی علیه السلام | ۷۸

تقابل همیشگی دین و دنیا | ۷۸

فریب دهنده اصلی و ابزار او | ۷۹

اولین فریب دهنده، شیطان لعین است | ۷۹

دنيا، ابزار فریب شیطان است | ۷۹

- شیطان و دنیا در آیات قرآن کریم | ۸۰
پاسخ به یک شبهه کلامی | ۸۰
دلیل فریب خوردن، بی توجهی به عقل و شرع | ۸۱
تطبیق بحث با قیام امام حسین (ع) | ۸۲
کوفیان اهل فریب بودند، ولی امام فریشان را نخورد | ۸۲
نگاه اولیای خدا به «متاع غرور» | ۸۲
امام حسین (ع) دعوت کننده‌ای بدون فریب | ۸۳
دعوت حسین (ع) امام در آغاز حرکت از مکه | ۸۳
حرکت ضد غرور حضرت در منزل زیاله | ۸۴
«فزایش بصیرت و دست گیری از دیگران» وظیفه امام | ۸۵
قطع تعلی از زمینه داران | ۸۵
زهیر، عثمانی مسلک بود ولی معاند نبود | ۸۶
تصرف ولی الله در جان و قلب رهبر | ۸۷

جلسه ششم/ ۸۹

- «بقای اسلام» هدف قیام امام حسین (ع) | ۸۹
«بقای اسلام» هدف ظالمی امام | ۸۹
امام به هدفش رسید و اسلام باقی ماند | ۹۰
اثر وضعی دین گریزی برای دنیاداری | ۹۰
معنا و گستره «اثر وضعی» | ۹۰
دنیاداری برای دین داران ضرر بیشتری دارد | ۹۱
یک قانون ثابت الهی | ۹۱
اخبار امام حسین (ع) از عاقبت مخالفین | ۹۲
علم امام نسبت به عاقبت کار خود و دشمنانش | ۹۲
۱. عاقبتی همچون بنی اسرائیل | ۹۳
۲. پست تر از کهنه ای نجس | ۹۵
عاقبت سران کوفه و مختار | ۹۷
عاقبت مردم عادی و حجاج | ۹۷
عقوبت الهی دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد | ۹۹
نفرین امام حسین (ع) بر کوفیان بدعاقبت | ۹۹
معصومیت قاسم، دلیل نفرین امام | ۱۰۰
کیفیت شهادت قاسم، دلیلی دیگر | ۱۰۱

جلسه هفتم/ ۱۰۳

- تکمیل بحث اخبار امام نسبت به نتیجه قیام | ۱۰۳
امام حسین (ع) دو چشم داشت | ۱۰۳

۱. خبر دادن از عاقبت خود و دشمنان در «بطن عقبه» | ۱۰۳
۲. خبر دادن از شهادت خود و خواری دشمنان به «بوهرم» | ۱۰۵

راز نفرین‌های فراگیر امام حسین (ع) | ۱۰۵

- عقوبت الهی، دامن همه را گرفت! | ۱۰۵
- اصناف سه‌گانه مردم در زمان حضرت (ع) | ۱۰۶
- دلیل اول عذاب شدن تحقیقی‌ها: روشن‌گری‌های امام (ع) | ۱۰۸
- دلیل دوم عذاب شدن تحقیقی‌ها: اهل کوفه بودن! | ۱۰۹
- چرا عقوبت الهی دامن همه را گرفت؟! | ۱۱۰
- حجت بالله الهی علیه تحقیق شده‌ها | ۱۱۲
- خواری دنیا و عذاب آخرت، اثر وضعی تحقیق | ۱۱۲

نمونه‌هایی از روشن‌گری و نفرین‌های امام حسین (ع) | ۱۱۳

- از آب هم مضایقه کردند کوفیان! | ۱۱۳
- صدای غربت امام باکونین حضرت ابوالفضل (ع) | ۱۱۴
- ریختن «دم‌المظلوم» در دستان پدر! | ۱۱۴

جلسه هشتم / ۱۱۷

شیوه «اصلاح امت» در حرکت امام حسین (ع) | ۱۱۷

- «اصلاح امت، برای بقای دین»، هدف قیام حضرت! | ۱۱۷
- اصلاح ظاهری و باطنی و معنای آن‌ها | ۱۱۸
- تقدم اصلاح روش بر اصلاح بینش در کلام امام حسین (ع) | ۱۱۹
- سر تقدم اصلاح روش بر اصلاح بینش در کلام امام خمینی (ع) | ۱۱۹
- اصلاح بینش با اصلاح روش میسر است! | ۱۲۰
- «ایجاد بصیرت» حقیقت ظاهری قیام امام حسین (ع) | ۱۲۱

رابطه «بصیرت و حیات» با «غرور و مرگ» | ۱۲۲

- «جهل» ریشه غرور و مرگ است! | ۱۲۲
- تاویل حیات و ممات در لسان اهل بیت (ع) | ۱۲۳
- اصلاح روش اسلامی، راه اصلاح تفکر اسلامی است! | ۱۲۴

اصلاح باطنی در حرکت امام حسین (ع) | ۱۲۴

- خون دادن برای بیداری بندگان! | ۱۲۴
- حسین (ع) به دنبال نجات فریب‌خورده‌ها | ۱۲۵
- بصیرت و بینش، تحمیلی نیست؛ عقلت را به کار ببند! | ۱۲۶
- «جهل» مانع اصلی پیروی از حق است! | ۱۲۷
- بصیرت و بیداری در خاندان حسین (ع) | ۱۲۷
- استفهام اقراری علی اکبر از پدر خویش (ع) | ۱۲۸

جلسه نهم/ ۱۳۱

مروری بر مباحث گذشته | ۱۳۱

- عَلَّتْ تَقَدَّمَ اصلاح روش بر اصلاح بینش | ۱۳۱
- موانع تمقل صحیح در وجود آدمی | ۱۳۱
- آداب شرعی، مهار نفس حیوانی است | ۱۳۲
- فرماندهی روح، توسل عقل یا هوای نفس | ۱۳۲
- اصلاح ظاهر، ایجاد ملکه تقوا و سپس دست گیری الهی | ۱۳۳
- تطبیق بحث با قیام امام حسین (ع) | ۱۳۴
- راه اصلاح بصیرت مردم، اصلاح ظاهر است | ۱۳۴
- یزید باطل بود و ظاهر را هم حفظ نمی کرد! | ۱۳۵
- راه اصلاح فردی هم اصلاح ظاهر است | ۱۳۶
- اقدام عملی: زمینه تأثیر گذاری کار فرهنگی است | ۱۳۶
- سکوت اهل بصیرت در مقابل باطل | ۱۳۷
- امام حسین اهل بصیرت بود، اما نه اهل سکوت | ۱۳۷
- بالاترین جهاد در راه خدا | ۱۳۷
- امام حسین اهل بصیرت بود و جو حقیقت را شکست | ۱۳۸
- «حق» را در هر حالی بگو! | ۱۳۹
- باید به مردم بصیرت داد؛ ولی با زمینه سازی نه با تحمیل | ۱۴۰

جلسه دهم/ ۱۴۳

- «هوای نفسانی» مانع اصلی بینش و بصیرت | ۱۴۱
- هوای نفس و آرزوی بلند، مانع فهم، بیان و عمل به حق | ۱۴۱
- «مقتضی» شناخت حق، عقل است و «مانع» آن، هوای نفسانی | ۱۴۱
- کلامی ناب از امام خمینی (ره) | ۱۴۶
- رابطه «اسلام» و «حکومت» | ۱۴۷
- نسبت «اسلام و حکومت» در نگاه الهی و شیطانی | ۱۴۷
- «نگاه ابزاری به اسلام» یعنی بهره کشی موقت از دین خدا | ۱۴۹
- «اباحه گری» نتیجه نگاه ابزاری به دین | ۱۴۹
- خدا می فرماید: وای بر صاحبان نگاه ابزاری به دین | ۱۵۰
- تطبیق بحث با قیام امام حسین (ع) | ۱۵۱
- کار اصلی امام (ع)، شکستن فضای حقیقت بود | ۱۵۱
- دعای «سلطنت و خلافت» لفظی است؛ اسلام در خطر بود | ۱۵۱
- خطبه عاشورایی حسین (ع) در بیان حقیقت دنیا | ۱۵۲
- اکثر مردم دنیا دارند نه دین دار! | ۱۵۳
- امام بصیر و یارانی بابصیرت و وفادار | ۱۵۴

جلوگیری از حمله در عصر تاسوعا | ۱۵۵
تأخیر انداختن در جنگ برای عبادت | ۱۵۵
عبادت روح را جلا می‌دهد و بنده را خدایی می‌کند | ۱۵۵

جلسه یازدهم/ ۱۵۷

وظیفه انبیا و اولیای الهی در قبال بصیرت | ۱۵۷

رفع حجابها و موانع فطرت | ۱۵۷
دعوت به حکمت و بیان احکام الهی | ۱۵۷
اگر «دشمن» فطری است چه نیازی به ارسال رسل است؟! | ۱۵۸
هدف بعثت انبیا، تذکر به فطریات است | ۱۵۸
تذکر و تنبیه در قرآن کریم | ۱۵۹
«پنددهنده درونی» در روایات معصومین (علیهم السلام) | ۱۵۹
غرور برخاسته از جهل، مانع اثرگذاری موعظه درونی | ۱۶۰
خواهش‌های نفسانی، عقل را نابود می‌کند | ۱۶۱

بررسی حجابها و موانع بینش و بصیرت | ۱۶۲

عمل به شرع عقل را جلا می‌دهد اما به هر عملی؟! | ۱۶۳

۱. «مقابله با امام حق» مانع قبولی اسناد | ۱۶۳

۲. «لقمه حرام» و مانعیت چهل روزه | ۱۶۴

دشمنانی حرام‌خوار، در برابر امامی عادل | ۱۶۴

چرا تمام لشکر عمر سعد حرام‌خوار بودند؟! | ۱۶۵

چرا حُر حرام‌خوار نبود؟! | ۱۶۶

اولاً حُر برای جنگ با امام نیامده بود | ۱۶۶

ثانیاً حُر حرام نخورده بود | ۱۶۸

رویارویی اهل حلال و حرام | ۱۶۸

جلسه دوازدهم/ ۱۷۱

مروری بر مباحث گذشته | ۱۷۱

فعلیت عقل عملی در گروهی رفع حجابها | ۱۷۱

قوای حیوانی، مانع کارایی عقل | ۱۷۲

مقابله با «هوای نفس» در معارف اسلامی | ۱۷۲

قتل گاه عقل‌ها کجا است؟! | ۱۷۲

اسارت عقل، در امارت نفس | ۱۷۳

انسان با مهار نفس، واقعا «انسان» می‌شود | ۱۷۴

«حیات طیبه» در گروهی مهار شهوت و غضب | ۱۷۵

«اصرار بر گناه» مانع پذیرش همه اعمال | ۱۷۵

بررسی تطبیقی معنای غرور با قیام امام حسین (ع) | ۱۷۶

- معنای اصطلاحی غرور در علم اخلاق | ۱۷۶
- دلیل «سکون نفس» در موافقت با هوا | ۱۷۷
- اولین سخنرانی امام حسین در روز عاشورا | ۱۷۸
- فریب دنیای گذرا را نخورید | ۱۷۸
- برخورد ریشه‌ای امام با سپاهیان عمر سعد | ۱۷۹
- آگاهی امام از سرنوشت مقابلین | ۱۸۰

جلسه سیزدهم | ۱۸۱

امام حسین فریب کوفیان را نخورد! | ۱۸۱

- دو سخن بظاهر متناقض | ۱۸۱
- معنای صحیح روایت | ۱۸۱
- معنای غلط روایت | ۱۸۳
- فریب‌خوردگان در برابر امامی بصیر | ۱۸۳
- دلیلی واقعی و عینی بر معنای صحیح روایت | ۱۸۴

دست‌گیری از مغرورین در قیام امام حسین (ع) | ۱۸۴

- دست‌گیری از مغرورین، از ابتدا تا انتها | ۱۸۴
- سخنرانی روشن‌گرانه امام، در روز عاشورا | ۱۸۵
- هدف‌گیری ریشه‌ای امام برای نجات مغرورین | ۱۸۷
- «غرور» یعنی فریب و آرامش کاذب | ۱۸۷
- «متاع غرور بوجن دنیا» در آیات و روایات | ۱۸۸
- نه دنیا ماندنی است و نه شما لایق آن هستید! | ۱۸۹
- وقتی می‌فهمید اشتباه کردید که دیگر سودی ندارد! | ۱۹۱

جلسه چهاردهم | ۱۹۳

مروری بر مباحث گذشته | ۱۹۳

اشتباه انسان در انتخاب مسیر نه در تمایلات و خواسته‌ها | ۱۹۳

«جهل به وسیله» ریشه اغترار | ۱۹۴

- فرق اضلال و اغترار | ۱۹۴
- «دل‌بستگی به وسیله» طبیعی است | ۱۹۶
- «جهل به وسیله» موجب اغترار است | ۱۹۶
- «ریشه غرور» در روایات اسلامی | ۱۹۷

بصیرت‌دهی و مقابله امام حسین (ع) با مغرورین | ۱۹۷

- بدانید که فریب خورده‌اید! | ۱۹۷
- دنیا، ناقص و فانی است | ۱۹۸

ذم دنیا در کلام علی علیه السلام | ۱۹۹
«ذم دنیا» واقعیت است نه شمار! | ۱۹۹
مسئله‌ی الاسباب خدا است! | ۲۰۰

جلسه پانزدهم/ ۲۰۱

ریشه‌ی میل به جاودانگی و خوشی خواهی | ۲۰۱
خدای حکیم، مطلوب طلب را خلق کرده است | ۲۰۲
دنیا و آخرت در آیات قرآن | ۲۰۲
آخرت بهتر و باقوام تر از دنیا است | ۲۰۳
خدا که عودبانه تخیل نیست! | ۲۰۳
امضای تمایلات فطری و تصحیح انتخاب وسیله | ۲۰۴
حقیقت دنیا نزد خدای تعالی | ۲۰۴
مروری دوباره بر فراموشات معصومین | ۲۰۵
راه شناسایی حیات جاودانه | ۲۰۶
انسان باید سر عقل بیاید! | ۲۰۶
متاع دنیا یعنی کالای ایزاری | ۲۰۷
وعدۀ خدا حق است! | ۲۰۷

جلسه شانزدهم/ ۲۰۹

تطبیق کلام حسینی علیه السلام با وحی الهی | ۲۰۹
توصیف بهشت در کلام الهی | ۲۰۹
توصیف دنیا در کلام امام حسین علیه السلام | ۲۱۰
عوامل و ریشه‌های اغترار | ۲۱۰
غرور به دنیا حماقت است! | ۲۱۰
«شیطان» عوامل بیرونی غرور | ۲۱۱
«نفس» عامل درونی غرور | ۲۱۱
عوامل غرور در ادعیه و روایات | ۲۱۲
«نفس» عامل درونی غرور | ۲۱۳
دلیل فریفتگی نسبت به دنیای فانی | ۲۱۴
«دل بستگی به دنیا» منشأ انحرافات است | ۲۱۴
چرا دنیای فانی را طلب می‌کنیم؟ | ۲۱۵
هیچ عنبری برای انسان باقی نمانده است! | ۲۱۶
برخی از مغرورین، از حیوانات پست‌ترند! | ۲۱۸
دلیل غرور دین‌داران، اعتماد به وعده‌های دروغ شیطان است | ۲۱۸

جلسه هفدهم/۲۲۱

- ﴿﴾ «شیاطین» موانع کارآیی حُجج الهی | ۲۲۱
حجّت‌های ظاهری و باطنی | ۲۲۱
انواع حجّت‌های الهی در روایت موسی بن جعفر علیه السلام | ۲۲۱
﴿﴾ اصناف مختلف مردم نسبت به پذیرش معاد | ۲۲۲
مروری بر مباحث گذشته | ۲۲۲
اصناف چهارگانه مردم نسبت به معاد | ۲۲۴
وضع گروه اول در انتخاب مسیر | ۲۲۵
وضع گروه دوم در انتخاب مسیر | ۲۲۵
وضع گروه سوم و چهارم در انتخاب مسیر | ۲۲۶
﴿﴾ مراتب، نشانه‌ها و راه حصول یقین | ۲۲۷
یقین علمی، عینی و حقیقی | ۲۲۷
علائم شش‌گانه موقنین | ۲۲۷
مسیر تحصیل یقین در مراتب مختلف | ۲۲۸
شیطان فقط وعده می‌دهد؛ انسان خودش انتخاب می‌کند! | ۲۲۸
﴿﴾ تطبیق بحث با قیام امام حسین علیه السلام | ۲۲۹
مواجهه امام با بی‌تقواها و بی‌ایمان‌ها | ۲۲۹
مقایسه دو انتخاب در قیام حسینی علیه السلام | ۲۳۱

جلسه هجدهم/۲۳۳

- ﴿﴾ تأثیر باور به معاد در عدم اغترار | ۲۳۳
حالات و نتایج یقین‌کننده به معاد | ۲۳۴
﴿﴾ دل سپردن به جلوه‌های دنیا | ۲۳۵
دنیا دلم را بُرد! کاری از من ساخته نبود! | ۲۳۵
تفاوت اساسی میان «دل بُردن» و «دل دادن» | ۲۳۶
﴿﴾ زبان‌های مختلف دنیا | ۲۳۷
زبان دعوت دنیا | ۲۳۷
زبان اندرز دنیا | ۲۳۷
زبان موعظه دنیا در کلام علی علیه السلام | ۲۳۸
زبان حال دنیا راستگو و باوفا است | ۲۳۹
دنیا برای دل‌نژادگان، خوب‌سرای است | ۲۴۰
﴿﴾ پند گرفتن از دنیا | ۲۴۱
بیمارستان‌ها و قبرستان‌ها یعنی چه؟! | ۲۴۱
کجا پند فرعونیان که ادعای خدایی می‌کردند؟! | ۲۴۱
دنیا کسی را گول نمی‌زند؛ انسان‌ها فرییش را می‌خورند! | ۲۴۳

جلسه نوزدهم/ ۲۴۵

- مروری بر زبان حال‌های دنیا | ۲۴۵
 دنیا دو زبان حال دارد: دعوت و اندرز | ۲۴۵
 موعظه دنیا عملی است و بسیار نافذ | ۲۴۶
 حقیقت دنیا در کلام معصومین علیهم‌السلام | ۲۴۷
 دنیا را مذمت نکن! | ۲۴۷
 حال امام حسین علیه‌السلام از زبان خودشان | ۲۴۸
 دنیا سرای صداقت، عافیت، موعظه و عبادت | ۲۴۹
 مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در برابر همه مکاتب بشری | ۲۴۹
 «خودخواهی» منشأ همه فرب‌ها | ۲۵۰
 «غرور» نشانه‌ای بر عدم اعتقاد به معاد | ۲۵۰
 «خودخواهی» زمینه اصلی بی‌اعتقادی به معاد و پیدایش غرور | ۲۵۱
 «الوهیت هوا» نزد فرب‌خورگان دنیا | ۲۵۲
 تفاوت اسلام ظاهری و واقعی | ۲۵۴
 آخرین لحظات عمر شریف پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ن‌ب‌ | ۲۵۴
 تطبیق بحث با جریان غصب خلافت | ۲۵۲
 اعتقاد ناصحیح و استفاده ابزار از دین | ۲۵۳
 سرگریه‌های واپسین پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ن‌ب‌ | ۲۵۴

جلسه بیستم/ ۲۵۷

- راه‌های دیگر فرب شیطان | ۲۵۷
 نقد دنیا، بهتر از نسیه آخرت است! | ۲۵۷
 آخرت نسیه است ولی نقد همیشه بهتر نیست! | ۲۵۸
 نسیه با ترجیح کمی، بهتر است | ۲۵۸
 نسیه با ترجیح کیفی هم بهتر است | ۲۵۹
 «زراعت» یعنی نسیه بهتر از نقد است! | ۲۵۹
 دنیا مزرعه آخرت است! | ۲۶۰
 مشکل اصلی اعتقاد نداشتن به معاد است! | ۲۶۰
 برخی اوصاف آخرت در آیات و روایات | ۲۶۱
 هر چه که دل بخواهد، آن هم برای همیشه! | ۲۶۱
 خودش بهتر از توصیفش است! | ۲۶۲
 یک معامله بی‌ضرر، بلکه پرسود با خدا! | ۲۶۲
 آخرتی هست؛ به دنیا نچسبید! | ۲۶۳

۱۶ بینش و نگرش

سختی‌های دنیاداری و آخرت‌طلبی | ۲۶۴

تحصیل آخرت، سختی دارد! | ۲۶۴

تحصیل دنیا هم سختی دارد! | ۲۶۴

جمع‌بندی مطلب تا اینجا بحث | ۲۶۵

روشن‌گری اولیای خدا تا دم مرگ | ۲۶۶

حسین (علیه السلام) امام بصیرت و بیداری | ۲۶۶

موعظه‌های ضدغرور امام حسن (علیه السلام) در بستر بیماری | ۲۶۶

روضه‌خوانی امام حسن (علیه السلام) برای حسین (علیه السلام) در بستر شهادت | ۲۶۷

جلسه بیست و یکم / ۲۶۹

روزی بر میبایست گذشته | ۲۶۹

چهل و یک منشأ غرور و مانع فهم حقیقت | ۲۶۹

«نفس» دشمن انسان است! | ۲۷۰

بصیرت‌افزایی و آخرین خطبه بیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) | ۲۷۰

صدر و ذیل آخرین خطبه امام حسین (علیه السلام) | ۲۷۲

بخش پایانی خطبه عاشورای امام حسین (علیه السلام) | ۲۷۲

اخبار از مصائب خورشید | ۲۷۲

شما اعتقادی به معاد ندارید! | ۲۷۳

ابزار مختلف فریب شیاطین | ۲۷۴

دنیا و حیات دنیایی | ۲۷۴

جلوات مادی یا معارف الهی در دست شیطان | ۲۷۴

یک: ابزار قوای درونی و بیرونی | ۲۷۵

۱. قوای بیرونی: مانند جوانی و نشاط | ۲۷۵

۲. قوای درونی: مانند علم و استعداد | ۲۷۵

دل خوش بودن به مادیات دام شیطان است! | ۲۷۵

دو: برخی معارف الهی | ۲۷۶

۱. من شیعه‌ام؛ شیعه که جهنم نمی‌رود! | ۲۷۶

شیعه حقیقی کیست؟! | ۲۷۶

۲. ما در قیامت شفاعت می‌شویم! | ۲۷۷

شفاعت مخصوص کسانی است که خدا از دینشان راضی است! | ۲۷۸

دین یعنی مجموعه اعتقادات و احکام الهی | ۲۷۸

فهرست منابع | ۲۸۱

نمایه | ۲۸۳

انسان همیشه نیازمند مرشد و راهنما بوده و خواهد بود؛ اما انسانِ دورانِ ما نیازمند از گذشتگان است. غوغای زندگی ماشینی و هیاهوی مظاهر پر زرق و برق پیشرفت‌های صنعتی، در کنار اغواگری برخی رسانه‌های افسون‌گر و دشواریِ گذرانِ زندگی و نیز درگیری‌های روزافزون ذهنی، همه و همه نوعی از «معیشتِ ضنک» را برای ما رقم زده‌اند. در فضایی چنین غبارآلود «عالم»، همچون کسی است که با خود شمعی دارد و همه‌جا را برای مردمان روشن می‌کند، پس هر که با شمع او جایی را ببیند، از حق او دعای خیر می‌کند. عالم نیز با خود شمعی دارد که تاریکی نادانی و سرگردانی را از بین می‌برد.^۱ هنگامی که بشر در حیرت و سرگردانی است و هر کس راهی به او نشان می‌دهد و او نمی‌داند کدام راه به مقصد و مقصود منتهی می‌گردد، نیازمند شاخص و نشانه‌ای است که فرشته نجات او شود و عالمان ربّانی در زمان غیبت، همان نقش و جایگاه را دارند؛ چرا که به تعبیر رسول خدا ﷺ: «مَثَلُ عالمان در زمین، همچون مَثَلِ ستارگان است در آسمان، که در تاریکی‌های خشکی و دریا به وسیله آن‌ها می‌توان به

۱. امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام فرمود: العالم کمن معه شمعة تضی للناس فکل من ابصر شمعة دعا له بخیر، کذلک العالم مع شمعة تزیل ظلمة الجهل والحیرة (بحار الانوار ج ۲، ص ۴).

راه درست رسید؛ و چون غروب کنند، چه بسا راه یافتگان هم به گمراهی افتند»^۱.

اینک ماییم و تجسم این تشبیه رسول خدا ﷺ؛ ماییم و یکی از پرفروغ‌ترین ستارگان آسمان دین و دانش که سال‌های سال است روشنی بخش خرد و گرمابخش جان‌های مشتاقی است که پروانه‌وار گرد «شجره طیبه» وجودش می‌چرخند و از خرمن معرفتش بهره می‌گیرند.

او نمونه برجسته همان کسانی است که امیر دل‌ها، علی علیه السلام توصیف نموده و به ملازمت رکابشان توصیه فرموده است؛ «کسی که جامه شهوات از تن بیرون کرده و از همه دل‌مشغولی‌ها خویشتن را رها نموده، مگر یک چیز که پیوسته در فکر آن است (و آن دین او است). بدین گونه از کوردلی رسته و از هم‌گامی با هواپرستان جسته است، و خود کلید در هدایت و قفلی بر در سقوط و تباهی گشته است؛ راه خویشتن به خوبی یافته و آن را پیموده، و مشعلی فروغ‌بخش به چنگ آورده و در پرتو آن از راه‌های سردرگم و ظلماتی گذشته است.

او به استوارترین دساوران رسیده و به محکم‌ترین رسن‌ها در آویخته است و یقینش به دین، مانند کسی است که نور خورشید را می‌بیند. بدین سان تن به اطاعت خدای سبحان داده، دست به کارهای بزرگ می‌یازد، هر طیفه‌ای که پیش آید آن را درست به انجام می‌رساند، و هر فرعی (و امری) را منطق با اصل (دینی) آن مجری می‌دارد، او چراغ تاریکی‌ها است و برطرف کننده اشتباه‌ها...»^۲

۱. عن النبي ﷺ: إِنْ مِثْلَ الْمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمِثْلِ التَّجُومِ فِي السَّمَاءِ يَهْدِي بِهَا فِي الظُّلُمَاتِ الْبُزُومُ الْبَحْرُ، فَإِذَا انْقَلَبَتْ أَوْشَكُ إِنْ تَضَلَّ الْهَدَاةُ الْحَيَاءُ، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۸۷... قَدْ خَلَقَ سَبْرَ إِبْرَاهِيمَ الْكَلْبَ الْهَدْيَ وَتَخَلَّى مِنَ الْهَدْمِ الْإِفْهَاتُ وَاحِدًا الْهَدْيَ بِهِ فَخَرَّجَ مِنْ صِفَةِ الْغَنَى وَشَارَكَ أَهْلَ الْهَدْيِ وَصَارَ مِنْ مَفَاتِيحِ أَبْوَابِ الْهَدْيِ وَتَفَاتِيحِ أَبْوَابِ الْهَدْيِ

مراد ما، فقیه عسارف و عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی (ادام الله ظله العالی و دامت برکاته) است که کرسی افتاء، هیچ گاه منبر ارشاد را از او نگرفته و همچنان که محفل نورانی درس خارج فقه و اصولش طالبان پی گیر و پرتلاش را به قلّه استنباط رهنمون می شود، مجلس گرم اخلاق و معرفت و تفسیرش نیز مشتاقان تهذیب و تطهیر نفس را به حلقه انس خدای کریم می کشاند و با این همه، از روی اخلاص و فروتنی که نشانه و ویژگی مردان خدا است، جهانی است بنشسته در گوشه ای.

سال های سال است که عالم و عامی می پرسند (و البته ما را توییح می کنند) که چرا چهرهٔ مکتوب آنچه ایشان افاضه می فرمایند، طلوع نمی کند تا هم حاضران را بیشتر بهره مند سازد و هم آنان را که به هردلیل باید در داری تحمل کنند. این مراجعات مکرر، سرانجام سدّ چندین دهه منع و امتناع را شکست و به فضل الهی، بخشی از «اخلاق الاهی» ایشان؛ به گزیده ای در خور رخ نمود تا «درآمدی بر سیر و سلوک» و آینهٔ «کیش پارسایان» باشد.^۱ اما آن هم آتش اشتیاق را فرو نماند و انتظار برای تهذیب و ویرایش را، بیش از این روا نمی داشت. اینک با اصرار ارادتمندان و شاگردان، حضرت استاد اجازه فرمودند تا متن درس های اخلاق ایشان، منتشر گردد و درخواست مؤمنان بیش از این بدون اجابت نماند: «لعل الله يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»^۲.

قَدْ أَمَرَ طَرِيقَهُ وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ وَ عَرَفَ مَنَازِلَهُ وَ قَطَعَ غَنَارَهُ وَ اسْتَشْرَكَ مِنَ الْغَرَى بِأَوْقَعِهَا وَ مِنَ الْجَنَائِلِ بِأَشْبَهَا هُوَ مِنَ الْبَيْنِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ قَدْ نَصَبَ قُتْنَهُ لِقَبْلِ شَجَانَةِ فِي أَرْضِ الْأُمُورِ مِنْ إِصْدَارِ كُلِّ وَارِدٍ عَلَيْهِ وَ تَقْيِيرِ كُلِّ فَجٍّ إِلَى أَصْلِهِ بِغَنَائِجِ ظُلُمَاتٍ كُشَاةٍ غَشَوَاتٍ بِفَنَاحِ نَهْطَاتٍ...

۱. نام آثار معظمه که تاکنون به همت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر گردیده است. شکر الله منهم و جزاهم الله عن الاسلام و المسلمين خير الجزاء.

۲. سورة مبارکه طلاق، آیه ۱

با سپاس از محضر مبارک معظم‌له، اینک هفتمین جلد از مجموعه بیانات ایشان همراه با توضیحات زیر تقدیم شما خوانندگان گرامی می‌شود.

۱- از سال ۱۳۸۰ شمسی تا کنون، بنای استاد بر آن بوده است که در ایام عزاداری حضرت اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) به تحلیل بُعدی از ابعاد قیام آن حضرت بپردازند. به لطف خداوند انتشار این مباحث به ترتیب و تحت عنوان «سلوک عاشورایی» در دستور کار قرار گرفت. تا کنون هشت جلد از این مجموعه منتشر شده که به فضل الهی نیز مورد اقبال و استقبال نخبگان و فرهیخته‌گان قرار گرفته است. کتاب حاضر با نام «بینش و نگرش»، نهمین حلقه از آن سلسله است.

۲- بینش و آگاهی چراغ راهنمای هر سالکی است که هدفی را قصد نموده و برای رسیدن به آن در تلاش است. اگر انسان هدف خویش را نشانمید و یا بر سر دوراهی‌ها و در برابر راهزن‌ها حجت قاطعی در دست نداشته باشد، قطعاً از راه باز مانده و امیدی به نجات و علاج او نیست. حضرت استاد حرکت امام حسین (علیه‌السلام) در سال ۶۱ هجری را نمونه یک حرکت آگاهانه با بینش و نگرش کامل معرفی می‌کنند که با همراهی یارانی اهل بینش، به اوج خود رسید و نتایج بزرگی را در بر داشت؛ در این مسیر، آنان که از بینش صحیح و عمیق برخوردار نبودند، از گردونه خارج شدند و نتوانستند در این حرکت عظیم الهی امام خویش را همراهی کنند. امام حسین (علیه‌السلام) در جای جای این حرکت از پایان خونین قیام خبر می‌داد و هیچ‌کس را به بهانه آینده‌ای روشن با خویش همراه نفرمود.

حضرت استاد، ضمن برآشتن از قول بی‌خبرانی که حرکت امام حسین (علیه‌السلام) را یک حرکت دفعی و حساب‌نشده می‌دانند،

تأکید می‌کنند که نه تنها قیام امام حسین، حرکتی حساب شده و با برنامه‌ریزی بود، بلکه به اهداف عالی خویش که بقای اسلام و ایجاد پیش صحیح در میان مردم بود، رسید و نقطه آغاز تحولات مهمی در جهان بشریت شد؛ چرا که بقای اسلام، بقای دیگر مکاتب الهی را نیز تضمین کرد.

حضرت استاد پیش و نگرش صحیح را نتیجه تبعیت از عقل و شرع با شهود حقایق معرفی می‌نماید و با استناد به فرمایشات امام حسین علیه السلام می‌فرماید: انسان باید با تبعیت از شرع، روش خویش را اصلاح نماید تا به پیش صحیح الهی دست پیدا کند. یعنی راه اصلاح پیش، اصلاح روش است؛ چون امام حسین برای اصلاح اهل بیت خود، راه اصلاح ظاهر و روش آنان را در پیش گرفت و برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد. حال اگر کسی، اهل تحصیل چنین مدارجی نیست و به قله‌های بلند شهود حق نرسیده، باید همواره دست در دست امامی با پیش الهی داشته باشد و از او تبعیت کند. اینجا است که انسان، به واسطه پیوندی که با امام خواهد خویش دارد، با حقیقت هستی، ارتباط پیدا کرده و به سر منزل مقصود رهنمون می‌گردد.

در مقابل اهل پیش و بصیرت، اهل غرور و فریب قرار دارند که تمام حرکات و برنامه‌هایشان، تهدید، تطمیع و تحمیق مردم است. اهل باطل، با استفاده از این سه حربۀ شیطانی، غباری موقت برپا می‌کنند و از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند؛ اما هدایت‌گران الهی نه با این وسیله‌ها کاری ندارند و نه استعمار و استعمار مردم را برمی‌تابند؛ لذا آنان همواره مردم را به حق دعوت می‌کنند و مدام در تلاشند که مردم، فریب پیروان شیطان را نخورده و مقهور تهدید، تطمیع و تحمیق‌های شیاطین نشوند.

این مباحث در دهه اول محرم و دهه آخر صفر سال ۱۴۳۱ هـ ق مطابق با آذر و بهمن ماه ۱۳۸۹ ایراد گردیده است که برخی جلسات، به دلیل تکراری بودن برخی مطالب، در یکدیگر ادغام شده‌اند؛ اما چیزی از محتوای آن‌ها کاسته نشده است.

بار اصلی پیاده‌سازی نوارها، مستندسازی متون، ویرایش و آماده‌سازی نهایی کار بر عهده برخی شاگردان معظم‌له بوده که با علاقه و اخلاص در «مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی» سامان یافته است.^۱ پیشاپیش اعتراف می‌کنیم که آنچه در خور معظم‌له انجام نشده است. تن دادن به اصرارها و ابرام‌ها مستلزم روحی شتاب و پذیرش برخی کمبودها بوده است که امید است کاستی‌های و خطاهای ما را عفو فرموده و تنها از محاسن کلام آن عالم ربانی بهره‌مند گردید؛ صد البته این مؤسسه، چشم به راه دریافت نظرات شما است.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی

۱. «مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی»، در سال ۱۳۸۸ به منظور حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهران‌نژاد، از سوی تنی چند از شاگردان و ارادتمندان معظم‌له پایه‌گذاری شده و با تأسیس پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی به نشانی www.mojtabatchrani.ir در صدد تعمیم فیوضات معنوی ایشان است. «مصابیح الهدی» نیز نامی برگرفته از روایات متعدد است که فرزانه‌گانی چون حضرت استاد را توصیف کرده‌اند؛ نظیر آنچه در کافی، ج ۲، ص ۲۲۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵ و ج ۷۴، ص ۱۷۴ و ج ۷۵، ص ۷۲ و نیز خطبه ۱۴۹ نهج البلاغه آمده است.